

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال نهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۷ (پیاپی ۱۷)

بررسی و نقد مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی بخوانیم دوره‌ی ابتدایی (با تأکید بر آموزش قانون‌مداری)

محمود باباعلی**

دانشگاه آزاد اسلامی ایران،
واحد علوم و تحقیقات تهران

طاهره ایشانی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

توجه به فرهنگ شهروندی و آموزش آن، رویکردی نوین است که بیش‌تر کشورهای توسعه یافته به آن پرداخته‌اند و نتایج موثر آن در رفاه، پیشرفت و توسعه‌ی جامعه، باعث شده کشورهای در حال توسعه نیز ضرورت آن را درک کنند و زمینه‌ی آموزش و تحقق آن را فراهم آورند. هدف از این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، تعیین میزان حضور مضامین مرتبط با آموزش فرهنگ شهروندی و فرهنگ قانون‌مداری در جایگاه یکی از مؤلفه‌های اساسی آن-در محتوای داستان‌ها و حکایت‌های فارسی و تحلیل و نقد آن است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی بخوانیم دوره‌ی ابتدایی آموزش و پرورش سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ است. واحد زمینه، متن کتاب‌های یاد شده و واحد تحلیل (ثبت)، مفاهیم مرتبط با آموزش فرهنگ شهروندی قانون‌مداری در نظر گرفته شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق، حاکی از این است که از کل ۷۲ داستان و حکایت ثبت شده، فقط ۱۷ مورد دارای شاخص‌های مرتبط با قانون‌مداری بوده؛ اغلب این داستان‌ها نیز به پایه‌های دوم و سوم اختصاص دارد که دانش‌آموزان از توانایی و مهارت خوانداری کم‌تری برخوردارند. همچنین بررسی میزان فراوانی شاخص‌ها نشان می‌دهد فراوانی شاخص‌ها از یک تعادل نسبی برخوردار نیستند؛ به طوری که شاخص رعایت حقوق شهروندان، دارای ۵۳٪ و پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات، دارای ۵۹٪ فراوانی است. همچنین ۶۷٪ از مضامین مطرح شده در شاخص‌ها دارای بار منفی آموزشی و در جهت تضعیف فرهنگ قانون‌مداری بوده که این موضوع با اهداف نظام آموزش و پرورش کشور، مغایرت دارد و لزوم بازنگری و اعمال اصلاحاتی در خصوص محتوای این کتاب‌ها را به شدت، ضرورت می‌بخشد.

واژه‌های کلیدی: کتاب‌های فارسی بخوانیم دوره ابتدایی، داستان، حکایت، فرهنگ شهروندی، فرهنگ قانون‌مداری.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی. Tahereh.ishany@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی babaalimba@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۱۳

۱. مقدمه

فرهنگ شهروندی مفهومی جدید است که در قرن بیست و یکم، اهمیتی ویژه یافته‌است؛ تا آن‌جا که می‌توان آن را از جدیدترین مفاهیم دنیای مدرن تلقی کرد. دو مقوله فرهنگ و شهروندی، هر دو از مفاهیم پیچیده و بحث‌برانگیزی هستند که توجه متفکران بسیاری را به خود جلب کرده‌اند؛ علت امر این است که شهروندی و فرهنگ آن، از پویاترین مفاهیم اجتماعی و فرهنگی دنیای امروز محسوب می‌شوند و اساس جامعه‌ی شهروندی بر فرهنگ حاکم بر آن شکل گرفته‌است. از سوی دیگر، فرهنگ شهروندی به شهروندان اجازه‌ی دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و موجب می‌شود آنان بر بهتر شدن زندگی خود و مردم، تأثیر بگذارند.

از این رو آموزش شهروندی و فرهنگ آن را برای زندگی در عصر حاضر، نیازی ضروری است؛ ولی سوالی که پیش می‌آید این است که چگونه و در چه سنی و با چه محتوایی می‌توان این آموزه‌های فرهنگی را که در برگزیده‌ی ارزش‌های مطلوب برای ایجاد جامعه‌ی ایده‌آل هستند، آموزش داد و چه کسان و یا نهادهایی در اجرای این امر مهم، نقش اساسی دارند؟

به نظر فالكس، امروزه مطلوب‌ترین روش‌های آموزش فرهنگ شهروندی از سوی کارشناسان و از طریق رسانه‌های جمعی همچون خانواده و آموزش و پرورش، به اقشار گوناگون جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان، ارائه می‌شود. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۴)

بنابراین از آن‌جا که ساختار شخصیتی و رفتاری انسان در دوران کودکی و نوجوانی بنیان گذاشته می‌شود، می‌توان این دوران را در شکل‌گیری شخصیت انسان، دورانی طلایی و ارزشمند در نظر گرفت. در این دوران طلایی «کودکان در ضمن داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجارب زندگی آشنا می‌شوند: شادی و غم، امیدواری و نومیدی، محرومیت، ستم و ستمکار، عدالت و عادل، علم و عالم و خلاصه همه‌ی رنگ‌های زندگی را تجربه می‌کنند و با آن‌ها آشنا می‌شوند. هر داستان دارای تفکر، نتیجه، خیال، روش و زبان خاصی است و هریک از این‌ها در تکوین شخصیت کودک، تأثیر می‌گذارد و همین خصایص است که استفاده از داستان را در آموزش و پرورش، ضروری می‌نماید.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴)

بنابراین، نظام آموزش و پرورش در جایگاه یکی از نظام‌های مهم که مسئولیت آموزش نسل آینده‌ی هر کشوری را عهده‌دار است و قلب نظام آموزشی کشور محسوب

می‌شود، به مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ شهروندی به ویژه مؤلفه‌ی قانون‌مداری، پرداخته‌است و در این راه، دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، بیان می‌دارد: «به طور کلی در نظام آموزشی ایران، جریان تربیت رسمی و عمومی بر اساس کرامت و حقوق متقابل انسانی شکل می‌گیرد و این امر، یکی از معیارهایی است که به عنوان راهنمای عمل مربیان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی مورد توجه است. در این زمینه باید گفت رابطه‌ی حقوقی، رابطه‌ای متقابل است؛ یعنی وقتی حقی برای کسی لحاظ می‌شود، دیگران در برابر این حق، مسئولیتی دارند و بالعکس.» (دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹: ۱۱۶) به این ترتیب، «نظام آموزشی با ایجاد حقوق و مسئولیت‌های متقابل برای معلمان و دانش‌آموزان و ملزم ساختن آنان به رعایت آن، کودکان را آماده می‌سازد تا در جامعه‌ی بزرگ‌تر نیز نسبت به شخصیت و حقوق دیگران حساس باشند و به دیده‌ی احترام و رعایت بدان بنگرند.» (همان: ۹۳)

بر اساس مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش (۱۳۷۷)، برخی از اهداف کلی تربیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

۱. پرورش روحیه‌ی نظم در روابط فردی و اجتماعی؛ ۲. پرورش سعه‌ی صدر و تحمل آرای دیگران در برخورد اندیشه‌ها؛ ۳. تقویت روحیه‌ی گذشت، فداکاری و ایثار، در روابط اجتماعی؛ ۴. پرورش روحیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان وظیفه‌ای همگانی؛ ۵. پرورش روحیه‌ی احترام به قانون و التزام به رعایت آن؛ ۶. پرورش روحیه‌ی احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی آنان؛ ۷. پرورش روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی. (عابدی، ۱۳۹۲: ۸۱)

دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در زمینه‌ی شاخص‌های عملیاتی درباره‌ی قانون‌گرایی، موارد اعتماد و التزام به حاکمیت ضوابط بر روابط، عمل به تعهدات قانونی، رعایت حقوق شهروندی، پای‌بندی حکومت به قانون و حقوق اشخاص را مورد تاکید قرار می‌دهد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹: ۱۰)

در واقع می‌توان گفت: «مدارس به کمک کتاب‌های درسی - به ویژه کتاب فارسی که یکی از اصلی‌ترین کتاب‌های آن محسوب می‌شود- مهم‌ترین و پرکاربردترین ابزار آموزشی هستند که نقش اساسی در تربیت و آموزش فرهنگ شهروندی دانش‌آموزان جامعه دارند؛ زیرا در حیطه‌ی ادبیات فارسی، نویسندگان و شاعران زیادی، اندیشه‌ها و

عواطف سازنده و خلّاق خود را در اثنای شعر یا نوشته‌ی خود بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، حیطه‌ی ادبیات، جایگاه خوبی برای بیان مسایل اجتماعی، تاریخی، اخلاقی، تعلیمی و... بوده‌است و هریک از قالب‌های ادبی آن، نقش بسزایی در روند رو به رشد آگاهی فکری و اجتماعی دارد.» (بخشی‌پور، ۱۳۸۹: ۵)

با توجه به این موضوع که نقش فرهنگی-اجتماعی آموزش و پرورش، در شکل‌گیری الگوهای رفتاری نسل آینده (دانش‌آموزان) در مقایسه با سایر سازمان‌ها و نهادها، بسیار حیاتی است این سوال‌ها مطرح می‌شوند:

۱. چه میزان از داستان‌ها و حکایات کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، دارای مضامینی مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی است و نسبت فراوانی داستان‌ها و حکایت‌های دارای این گونه مضامین چگونه است؟

۲. میزان فراوانی شاخص‌های مرتبط با قانون‌مداری در هریک از پایه‌های تحصیلی در داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، چگونه است؟

۳. آیا شاخص‌های مطرح شده در داستان‌ها و حکایت‌ها، در جهت تقویت فرهنگ قانون‌مداری به کار گرفته شده‌اند یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های فارسی بخوانیم دوره‌ی ابتدایی با این رویکرد بررسی گردید و سپس به تحلیل میزان فراوانی مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی و شاخص‌های مرتبط با مؤلفه‌ی قانون‌مداری و همچنین میزان نقش آن‌ها در تضعیف و یا تقویت‌کنندگی فرهنگ قانون‌مداری در دو قالب داستان و حکایت، پرداخته شد.

۱-۱. مبانی نظری

تعاریف، تعبیر و توضیحات بسیاری درباره‌ی فرهنگ، شهروندی، فرهنگ شهروندی و قانون‌مداری به چشم می‌خورد و هر صاحب‌نظر و پژوهشگری بر حسب بینش و نگرش خود، تعریف خاصی از آن ارائه داده است. از این رو، یک‌پارچه کردن و همه را به نحوی در یک تعریف جامع و مانع درآوردن، نه ممکن است و نه مقدور؛ به همین منظور، در این پژوهش، پژوهشگر دامنه‌ی بحث خود را به ارائه‌ی تعاریف و مفاهیمی محدود کرده

که بیش‌ترین قرابت و نقاط اشتراک را در عناصر مرتبط با مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد تحلیل در این تحقیق داشته‌اند و محققان اساس کار خود را بر مبنای آن‌ها استوار کرده‌اند. در ارتباط با معنای لغوی و مفهومی فرهنگ می‌توان گفت، «صورت باستانی فرهنگ، در متن بازمانده از *اوستا* و نوشته‌های فارسی باستان، یافت نشده؛ اما صورت پهلوی آن، فرهنگ است؛ به طوری که گمان می‌رود از پسوند "فر"، به معنی پیش و ریشه‌ی باستانی "تنگ"، به معنای "کشیدن" باشد. واژه‌ی فارسی هنگ به معنای قصد و آهنگ، هنجیدن و هیختن و انجیدن به معنای بیرون کشیدن و برآوردن است.» (آشوری، ۱۳۸۰: ۲۵) «آنتونی گیدنز» فرهنگ را عبارت از ارزش‌هایی می‌داند که اعضای یک گروه معین، دارند؛ هنجارهایی که از آن پی‌روی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند؛ حال آن‌که هنجارها، اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده‌ی بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند. (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۶) «هرسکویتس» نیز در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ اساساً بنایی است که بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی است که شیوه‌ی زندگی هر ملت را باز می‌نماید.» (آشوری، ۱۳۸۰: ۵۰) در نهایت، کمیته‌ی برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و هنر دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در اوّلین برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی خود، فرهنگ را «کلّیت در هم‌تافته‌ی باورها، ارزش‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه و مشخص‌کننده‌ی ساخت و تحوّل کیفیت زندگی» تعریف کرده‌است. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۳۸) واژه‌ی شهروند، در ادبیات فارسی از کلمه «شهر» و پسوند «وند» تشکیل شده‌است. در ادبیات اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ما، کلمه‌ی شهروند، واژه‌ای جدید است و در واقع، در جامعه‌ی ایرانی تا قبل از مشروطیت، به جای کلمه‌ی مذکور، از واژه‌ی رعیت استفاده می‌شده‌است. بعد از مشروطیت نیز مردم از منظر حقوق، تبعه‌ی دولت فرض می‌شدند و از این نظر، مردم باید تابع دولت متبوع خود باشند. به بیان دیگر، در این دوره، از کلمه‌ی تبعه یا تابع، به جای شهروند استفاده می‌شده‌است. به همین خاطر است که در فرهنگ‌های فارسی، شهروند هم می‌تواند معنای شهرنشین و هم اهل یک مملکت و جامعه‌ی سیاسی را داشته باشد. مفهوم امروزی کلمه‌ی شهروند به معنای ساکن یا اهل شهر نیست؛ بلکه اساسی‌ترین بار معنایی آن این است که فرد در اداره‌ی امور عمومی شهر، دخالت و مشارکت دارد.» (فرمهبینی، ۱۳۸۹: ۵)

بر این اساس می‌توان گفت: «فرهنگ شهروندی، فرایندی است که از طریق بهره‌گیری از مجموعه قوانین و عرف‌های اجتماعی^{۱۲} که ساکنان شهرها و مدیران اجرایی، باید آن‌ها را برای هماهنگی و یک زندگی بدون تنش، اجرا کنند^{۱۳} منجر به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار شهر شده و نوعی امکان برای گذار از موقعیت نامناسب کنونی به موقعیت مناسب همراه با رشدی آرام برای نسل‌های آینده فراهم می‌نماید.» (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۴) و از نظر «هاشمیان‌فر»، فرهنگ شهروندی به معنای «اصول حاکم بر رفتار شهروندان و در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که احساس مسئولیت و تعهد، احترام به قوانین و مقررات شهر و همچنین مشارکت در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی را به دنبال دارد.» (هاشمیان‌فر، ۱۳۹۱: ۱۲۱) با توجه به مفاهیم و تعاریف یادشده، آنچه از مفهوم فرهنگ شهروندی استنباط می‌شود و این تحقیق، حول محور آن پیش می‌رود، این‌گونه قابل بیان است: فرهنگ شهروندی، مجموعه‌ای از باورها، دانش‌ها، ارزش‌ها، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، عادات، رفتارها و گستره‌ای از رفتارها و عادات فردی و اجتماعی مختلف است که به صورت ارتباط متقابل بین شهروندان و نهادهای رسمی و غیررسمی، برقرار است و این ارتباط و تعامل هم بیانگر حقوق شهروندی و هم بیانگر وظایف و تکالیف شهروندی است.

از سوی دیگر، در تعریف عملیاتی و منظور از فرهنگ شهروندی در این پژوهش، می‌توان گفت فرهنگ شهروندی فرایندی است که از طریق بهره‌گیری از مجموعه قوانین و عرف‌های اجتماعی از قبیل قانون‌مداری، مشارکت اجتماعی جویی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انتقادگری و انتقادپذیری و... در جامعه از سوی شهروندان، به ظهور می‌رسد و به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار شهر منجر می‌شود. در این فرهنگ، فرد (دانش‌آموز) نه تنها به حقوق خود، بلکه به وظایف خویش نیز آگاه می‌شود و تکلیف‌مدار می‌گردد. در نهایت، می‌توان گفت «منظور از آموزش فرهنگ شهروندی، رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها است.» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۴)

در ارتباط با معنای لغوی و مفهوم قانون و قانون‌مداری می‌توان گفت «واژه‌ی «قانون»، معرّب واژه‌ی یونانی «کانون» (canon) است و «کانون»، به معنای خط‌کش یا قاعده است. قانون، امری است کلی که بر جزییات، منطبق می‌گردد و احکام جزییات از آن شناخته می‌شود.» (لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۹: مدخل قانون) به تعبیر دیگر، «قانون یعنی "خط‌کش"، تعیین مرزهای مجاز هرکس در جامعه و وسیله‌ی داوری درباره‌ی کسانی که این مرزها را زیر پا می‌گذارند.» (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۲۵۴) و «قانون‌مداری نیز فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان زندگی اجتماعی است که امکان استفاده‌ی بیشتر از امکانات و استعدادها را فراهم ساخته و زمینه‌ی پیشرفت و ترقی را میسر می‌سازد.» (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸: ۱۸)

۱-۲. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات مختلفی در زمینه‌ی فرهنگ شهروندی صورت گرفته‌است؛ در ادامه، به برخی از آن‌ها که نزدیک به موضوع این پژوهش است، به اجمال اشاره می‌گردد:

در پژوهشی با عنوان «نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره دبیرستان» (بهمن‌پور، ۱۳۸۸)، پژوهشگر به این نتیجه رسیده‌است که میزان فراوانی مفهوم شهروندی در این کتاب‌ها به ترتیب در زمینه‌ی شهروندی سیاسی، ۳۸/۸۸٪؛ شهروندی مدنی، ۳۰٪؛ شهروندی اجتماعی، ۱۷/۴۲٪ و شهروندی فرهنگی، ۹/۳۵٪ و شهروندی مشارکتی، ۹٪ بوده‌است؛ به عبارت دیگر، کم‌ترین میزان فراوانی، به شهروندی مشارکتی و فرهنگی مربوط است که باید به آن‌ها توجه شود. وی در ارتباط با نقش شهروندی منفعل و یا فعال نیز به این نتیجه رسیده‌است که شهروندی انفعالی (فقط حق وجود داشتن)، ۸۹/۱۶٪ و شهروندی فعال (توانایی تأثیرگذاری بر سیاست)، فقط ۱۰/۸۴٪ است که نشان می‌دهد این کتاب‌ها به دنبال شهروندی منفعل هستند. همچنین علی خلیلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آموزش شهروندی در برنامه‌ی درسی آشکار آموزش و پرورش» به این نتیجه رسید که آموزه‌های شهروندی موجود در کتب آموزشی، بیش‌تر تکلیف‌محور هستند تا حق‌محور و همچنین آموزه‌های ناسازگار با شهروندی نیز در برنامه‌ی درسی وجود دارند.

همچنین در تحقیقی با عنوان «تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه» (جمالی تازه‌کند، ۱۳۹۲)، میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی یعنی دانش، مهارت و نگرش‌های شهروندی، بررسی شده‌است؛ پژوهشگر ثابت می‌کند از کل واحدهای ضبط شده، ۲۴۸ واحد، به دانش شهروندی؛ ۹۹ واحد، به مهارت شهروندی و ۱۰۳ واحد، به نگرش شهروندی اختصاص دارد و به این نتیجه می‌رسد که کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه به یک نسبت، به مؤلفه‌های شهروندی نپرداخته‌اند و بازنگری برای توجه بیشتر به مؤلفه‌های کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، ضروری است. در تحقیقی دیگر، با عنوان «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها برای دانش آموزان» (شریفی، ۱۳۸۸) پژوهشگر بیان می‌کند که حوزه‌ی ارزش‌ها، دارای ۱۷ زیرمؤلفه است که ترجیح مصالح جمعی بر مصالح فردی با ۰/۷۷، بیش‌ترین ضریب و مؤلفه‌ی حفظ محیط زیست با ۰/۴ بار عاملی، کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده و در حوزه‌ی هنجارها نیز بیش‌ترین بار عاملی، مربوط به مؤلفه‌ی قدرت حل تعارض در مواجهه با دیگران و توانایی اظهار نظر در میان جمع، با ۰/۷۲ و کم‌ترین نیز مربوط به مؤلفه‌ی مسئولیت‌پذیری است که بار عاملی آن ۰/۳ است. در این پژوهش، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که وظیفه‌ی نظام‌های آموزشی آن است که با طراحی مداخلات آموزشی به هنگام، زمینه‌ی تجهیز دانش‌آموزان را به مهارت‌های مرتبط با مؤلفه‌های ارزشی و هنجاری، فراهم نماید.

در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی میزان اثربخشی مؤلفه‌های ارزش‌های شهروندی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی» (صبغی، ۱۳۹۲)، نویسنده بیان می‌کند که بیش‌ترین میزان اثربخشی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی، به مسئولیت‌پذیری و کم‌ترین آن به نظم شخصی و احترام به حقوق دیگران مربوط است. در تحقیقی دیگر تحت عنوان «نقش برنامه‌های درسی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه‌ی سال تحصیلی ۱۳۸۹ در پرورش مهارت شهروندی» (طالب‌زاده، ۱۳۸۹)، میزان تأثیرگذاری محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی در ارائه‌ی مهارت‌های تربیت شهروندی، بررسی شده‌است. نتایج تحقیق حاکی از این است که بیش‌تر شاخص‌های مربوط به مهارت شهروندی، در برنامه‌های درسی، مورد توجه نبوده‌است؛ از این رو، لزوم بازنگری و اعمال اصلاحاتی در خصوص محتوای این کتاب‌ها، احساس می‌شود. همچنین در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان استفاده از

مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی» (هاشمی، ۱۳۸۹)، به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های شهروندی مرتبط با حقوق، تکالیف، عدالت و برابری، مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی، پرداخته شده و پژوهشگر به این نتیجه رسیده که این مفاهیم در کتاب‌های یاد شده، در سطح متوسط مطرح گردیده و کم‌تر از حد انتظار بوده‌اند.

با توجه به پژوهش‌های یادشده و دیگر تحقیقات از این دست، منوجه می‌شویم، اگرچه پژوهش‌های چندی در ارتباط با فرهنگ شهروندی و کتاب‌های درسی صورت گرفته، درباره‌ی داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی دوره‌ی ابتدایی و نقش آن‌ها در آموزش فرهنگ شهروندی به ویژه در زمینه قانون‌مداری با توجه به شاخص‌های ۱. پای‌بندی به تعهدات قانونی و قول و قرارها؛ ۲. اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه؛ ۳. رعایت حقوق شهروندان؛ ۴. پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات؛ ۵. اعتماد و نداشتن سوء ظن به دیگران، به طور خاص، پژوهشی صورت نپذیرفته و کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی تاکنون از این زاویه، به صورت مستقل و به روش تحلیل محتوا، مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌اند.

۱-۳. روش تحقیق

از آن‌جا که مؤلفه‌ی قانون‌مداری- در جایگاه یکی از مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی- موضوع بحث این مقاله است، در این پژوهش برای تعیین میزان وجود شاخص‌های مربوط به این مؤلفه، ابتدا مبانی نظری و تجربی تحقیق و نیز اهداف تربیت اجتماعی در مصوبات سال ۱۳۷۷ شورای عالی آموزش و همچنین شاخص‌های عملیاتی مطرح شده در مصوبات دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۹ و اهداف مطرح شده از سوی دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش کشور در سال ۱۳۸۹، سند تحول راه‌بردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز وزارت آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز توسعه‌ی بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، ایران ۱۴۰۴ مصوب ۱۳۸۲، بررسی و فهرستی متشکل از شاخص‌های فرهنگ شهروندی مرتبط با قانون‌مداری، تهیه گردید و تحلیل محتوای داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی ابتدایی برای جست‌وجوی جملات و مضامین مرتبط با آن، بر اساس این فهرست، صورت

پذیرفت. شایسته‌ی یادآوری است در این تحقیق، برای تعیین شاخص‌های مؤلفه‌ی فرهنگ قانون‌مداری از میان شاخص‌های مطرح شده در مبانی نظری، اهداف تربیت اجتماعی مصوبات و ... تنها شاخص‌های مشترک، انتخاب و به صورت یک سیاهه، آماده شد. شاخص‌های بیان شده در این فهرست عبارتند از: ۱. پای‌بندی به تعهدات قانونی و قول و قرارها؛ ۲. اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه؛ ۳. رعایت حقوق شهروندان؛ ۴. پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات؛ ۵. اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن. همچنین چگونگی تأثیر این شاخص‌ها در ارتباط با مؤلفه قانون‌مداری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از تعیین چگونگی تأثیر (منفی و یا مثبت) آن‌ها بر قانون‌مداری، در دوحیطه‌ی تقویت و یا تضعیف‌کننده‌ی فرهنگ قانون‌مداری، طبقه‌بندی گردیدند.

باید یادآور شد متون کتاب‌های درسی مورد مطالعه، دارای دو مؤلفه یا قالب است که شامل ۱. داستان؛ ۲. حکایت هستند که در این تحقیق، منظور از داستان، متن‌های ارائه شده در هر درس است که با عنوان «بخوانیم و بیندیشم» در کتاب فارسی بخوانیم دوره‌ی ابتدایی مشخص شده‌اند و منظور از حکایت نیز قسمت‌هایی از کتاب‌های فارسی بخوانیم دوره‌ی ابتدایی است که با عنوان «حکایت» بیان شده‌اند؛ همچنین منظور از «تحلیل محتوا»، بررسی برای پی‌بردن به این نکته است که آیا این متون، دارای بار آموزشی برای ارتقای فرهنگ شهروندی هستند یا خیر؟ و به نظر نویسندگان این مقاله و تنی چند از صاحب‌نظران، فرض بر این است که داستان از طریق رویدادها و وقایع و مضامین مستتر در داستان و حکایات، به دنبال آموزش قانون‌مداری به دانش‌آموزان است.

از این رو، روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و بر اساس جامعه‌ی آماری است. جامعه‌ی آماری این تحقیق نیز شامل تمام داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های درسی فارسی بخوانیم، پایه‌های دوم تا ششم ابتدایی (شامل پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم)، در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ است که از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تألیف و چاپ شده و با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و به دلیل محدودیت جامعه‌ی آماری، کل جامعه‌ی آماری، به عنوان نمونه‌ی آماری تحقیق، در نظر گرفته شده‌است. در این مقاله، روش انتخاب محتوای مورد بررسی در هر یک از کتاب‌ها بدین صورت است که بر اساس عملیات برش، محتوای پنج پایه‌ی کتاب‌های فارسی

بخوانیم دوره‌ی ابتدایی، به چهار بخش متن، تصویر، پرسش و فعالیت، تقسیم شده و از میان این بخش‌ها، فقط بخش متن، انتخاب و از بخش متن نیز تنها قسمت حکایات و داستان‌ها مشخص شده، استخراج گردیده و مورد تجزیه و تحلیل محتوا قرار گرفته‌است. ابزار گردآوری اطلاعات، شامل یادداشت، در روش اسنادی و فهرست، در تحلیل محتوا است و داده‌های تحقیق با بهره‌گیری از آمار توصیفی، تحلیل شده‌اند.

۲. بحث و بررسی

برای این‌که نمایی از چگونگی آموزش فرهنگ شهروندی و قانون‌مداری در داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی آشکار گردد، لازم است ابتدا میزان فراوانی هر یک از موارد مورد سوال - که در ادامه بیان می‌شود- معلوم و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شود.

اولین پرسش این پژوهش بر این موضوع تأکید دارد که چه میزان از داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی دارای مضامینی مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی است و نسبت فراوانی داستان‌ها و حکایت‌های دارای این‌گونه مضامین چگونه است؟

بر اساس بررسی انجام شده، جدول شماره ۱، به دست آمد که بیانگر میزان و نسبت فراوانی داستان‌ها و حکایت‌های ثبت شده‌ی مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی است.

جدول شماره ۱: فراوانی واحدهای ثبت شده‌ی مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در داستان‌ها و حکایت‌ها

ردیف	مؤلفه	فراوانی کل	دارای مؤلفه شهروندی	بدون مؤلفه شهروندی
۱	داستان	۴۹	۳۷	۱۲
۲	حکایت	۲۳	۹	۱۴
۳	کل داستان و حکایت	۷۲	۴۶	۲۶

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۷۲ واحد ثبت شده‌ی داستان‌ها و حکایت‌های مندرج در کتاب‌های فارسی بخوانیم، ۴۶ واحد ثبت شده، دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با فرهنگ شهروندی هستند. به طور کلی، می‌توان گفت از مجموع ۱۰۰٪ واحدهای ثبت شده داستان و حکایت، فقط ۶۴٪ آن‌ها دارای مضامین

آموزش فرهنگ شهروندی هستند و بقیه (۳۶٪) مربوط به آموزش مفاهیم و موضوعات دیگری هستند. همچنین این جدول نشان می‌دهد از ۴۶ واحد ثبت شده مربوط به داستان‌ها و حکایت‌های دارای مضامین مرتبط با شهروندی موجود در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، ۳۷ واحد، مربوط به قالب داستان و ۹ واحد مربوط به قالب حکایت است؛ این امر نشان می‌دهد مؤلفان کتاب‌های فارسی بخوانیم، به درج داستان‌ها بیش از حکایت‌ها توجه داشته‌اند.

دومین پرسش این تحقیق در باره میزان فراوانی مؤلفه‌ی قانون‌مداری در هریک از پایه‌های تحصیلی و نیز چگونگی توزیع شاخص‌های آن، در داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی است که چگونگی میزان حضور، به تفکیک پایه‌های تحصیلی، در جدول شماره ۲ و ۳ ارائه شده‌است.

جدول ۲: توزیع فراوانی شاخص‌های مؤلفه‌ی قانون‌مداری در داستان‌ها و حکایت‌ها برحسب سال تحصیلی

ردیف	مؤلفه	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	مجموع
۱	قانون‌مداری	۵	۲	۵	۲	۳	۱۷
۲	درصد	۲۹	۱۲	۲۹	۱۲	۱۸	۱۰۰

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد در کتاب‌های پنج پایه‌ی دوره‌ی ابتدایی (دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم) در مجموع از ۱۷ واحد ثبت شده‌ی مرتبط با شاخص‌های مؤلفه‌ی قانون‌مداری، بیش‌ترین فراوانی با ۵ واحد ثبت شده مربوط به هریک از پایه‌های دوم و چهارم ابتدایی و کم‌ترین آن با ۲ واحد ثبت شده، مربوط به پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی هستند.

جدول ۳: توزیع فراوانی شاخص‌های مؤلفه‌ی قانون‌مداری در داستان‌ها و حکایت‌ها

ردیف	شاخص	فراوانی	درصد
۱	پای‌بندی به تعهدات قانونی و قول و قرارها	۳	۱۷/۷
۲	اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه	۲	۱۱/۸
۳	رعایت حقوق شهروندان	۹	۵۳
۴	پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات	۱	۵/۹
۵	اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن	۲	۱۱/۶
۶	جمع	۱۷	۱۰۰

بررسی جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در کتاب‌های پنج پایه‌ی دوره‌ی ابتدایی (دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم) در مجموع از ۱۷ واحد ثبت شده در زمینه‌ی شاخص‌های مؤلفه‌ی قانون‌مداری، بیش‌ترین فراوانی واحد ثبت شده با ۹ واحد، به شاخص رعایت حقوق شهروندان، مربوط است و کم‌ترین آن به شاخص پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات (۱ واحد) پیوند می‌یابد؛ همچنین شاخص مربوط به اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن و شاخص اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه نیز ۲ واحد است. جدول شماره ۴ نیز نشان می‌دهد از ۱۰۰٪ واحدهای ثبت شده، شاخص رعایت حقوق شهروندان با ۵۹٪، حداکثر درصد واحد ثبت شده و شاخص پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات، با ۱٪ و شاخص اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن و شاخص اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه هریک با ۲٪، کم‌ترین واحدهای ثبت شده را به خود اختصاص داده‌اند.

آخرین و مهم‌ترین پرسش این تحقیق که هدف اصلی این پژوهش را دربرمی‌گیرد این است که آیا همه‌ی شاخص‌های مطرح شده در داستان‌ها و حکایت‌ها، در راه تقویت فرهنگ قانون‌مداری، ایفای نقش می‌کنند یا خیر؟

جدول ۴: نسبت فراوانی تضعیف‌کننده و یا تقویت‌کننده‌ی فرهنگ قانون‌مداری

ردیف	مؤلفه‌ی قانون‌مداری	فراوانی	درصد
۱	شاخص‌های تقویت‌کننده فرهنگ قانون‌مداری	۶	۳۵/۳
۲	شاخص‌های تضعیف‌کننده فرهنگ قانون‌مداری	۱۱	۶۴/۷
۳	کل	۱۷	۱۰۰

برای پاسخ به این سوال، جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که از مجموع ۱۷ واحد ثبت شده مرتبط با شاخص‌های قانون‌مداری در داستان‌ها و حکایت‌های مندرج در کتاب‌های فارسی بخوانیم، ۶ واحد ثبت شده شاخص‌های تقویت‌کننده قانون‌مداری هستند و ۱۱ واحد ثبت شده، شاخص‌های تضعیف‌کننده‌ی آن و در کل از مجموع ۱۰۰٪ واحدهای ثبت شده شاخص‌های قانون‌مداری در داستان‌ها و حکایت‌ها، حدود ۳۵٪ آن‌ها دارای نقش مثبت و در جهت تقویت آموزش فرهنگ قانون‌مداری هستند و بقیه (حدود ۶۵٪)، نقشی منفی دارند و در جهت تضعیف قانون‌مداری عمل می‌کنند.

در جدول شماره ۵، میزان فراوانی هریک از شاخص‌ها بر حسب تضعیف و یا تقویت‌کنندگی آن‌ها، به تفکیک مشخص شده‌است.

جدول ۵: میزان فراوانی تضعیف و یا تقویت‌کنندگی فرهنگ قانون‌مداری به تفکیک شاخص

ردیف	شاخص	فراوانی شاخص‌های تقویت‌کننده	فراوانی شاخص‌های تضعیف‌کننده	جمع	درصد شاخص‌های تقویت‌کننده	درصد شاخص‌های تضعیف‌کننده	جمع
۱	پای‌بندی به تعهدات قانونی و قول و قرارها	۲	۱	۳	۶۷	۳۳	۱۰۰
۲	اعتقاد به حاکمیت قانون و عدم اقدام خودسرانه	۱	۱	۲	۵۰	۵۰	۱۰۰
۳	رعایت حقوق شهروندان	۳	۶	۹	۳۳/۳	۶۶/۶	۱۰۰
۴	پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات	۰	۱	۱	۰	۱۰۰	۱۰۰
۵	اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن	۰	۲	۲	۰	۱۰۰	۱۰۰

بررسی جدول شماره ۵ نشان می‌دهد از میان شاخص‌های فرهنگ قانون‌مداری، شاخص رعایت حقوق شهروندان با ۹ واحد فراوانی، حدود ۵۳٪ کل این شاخص‌ها را به خود اختصاص داده‌است که متأسفانه ۶۶/۶٪ آن دارای بار منفی آموزشی است. همچنین جدول یادشده نشان می‌دهد آموزش‌های مربوط به موارد ثبت شده در شاخص‌های پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات و نیز اعتماد به دیگران و نداشتن سوء ظن، کاملاً منفی هستند.

۴. نتیجه‌گیری

محتوای کتاب‌های درسی در جایگاه الگویی رسمی، برای آموزش فرهنگ شهروندی به ویژه در زمینه‌ی فرهنگ قانون‌مداری و پرورش مطلوب شهروندی، وسیله و ابزاری بسیار

مناسب هستند که در رده‌های سنی حسّاسی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرند با توجه به این اهمیت، به تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، اقدام گردید؛ نتایج به دست آمده، در ادامه ارائه می‌گردد:

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد ۶۴٪ از محتوای داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی بخوانیم پنج پایه‌ی دوره‌ی ابتدایی (دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم)، دارای شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی هستند و ۳۶٪ دیگر، به آموزش مفاهیم و موضوعات دیگری مربوطند. همچنین از ۱۰۰٪ داستان‌ها و حکایت‌های دارای مؤلفه‌های آموزش فرهنگ شهروندی، میزان ۸۰/۵٪ به داستان‌ها و ۱۹/۵٪ دیگر به حکایت‌ها مربوط است. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت، تأکید محتوای کتاب‌های فارسی بخوانیم بر داستان‌ها بیش‌تر از حکایت‌ها است. از سوی دیگر، از ۱۰۰٪ داستان‌ها و حکایت‌های حاوی مؤلفه‌ی قانون‌مداری، پایه‌های تحصیلی دوم و چهارم، هریک با ۲۹٪، بیش‌ترین و پس از آن‌ها، پایه‌های ششم و پنجم به ترتیب با ۱۸ و ۱۲٪، کم‌ترین شاخص مرتبط با مؤلفه قانون‌مداری را دارند؛ این امر نشان می‌دهد با این‌که در پایه‌های تحصیلی بالاتر (پنجم و ششم)، دانش‌آموزان از توانایی و مهارت خوانداری بیش‌تری برخوردارند و مؤلفان تدوین و تألیف کتاب‌های درسی، در انتخاب داستان‌ها و حکایت‌های مرتبط با آموزش فرهنگ شهروندی، آزادی بیش‌تری دارند، به این فرصت، توجه لازم را نکرده‌اند؛ تا جایی که در این پایه‌ها، شاهد ضعف در آموزش مؤلفه‌های شهروندی، به ویژه در زمینه‌ی قانون‌مداری هستیم.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از کل ۷۲ داستان و حکایت ثبت شده، تنها ۱۷ مورد، دارای شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌های قانون‌مداری بوده‌است (یعنی حدود ۲۳٪) که نسبت به حجم و ظرفیت بالای کتاب‌ها و ضرورت آموزش قانون‌مداری، بسیار کم می‌نماید و نشانگر توجه بیش‌تر داستان‌ها و حکایت‌های کتاب‌ها به آموزش مؤلفه‌های دیگر شهروندی و یا مواردی غیر از فرهنگ شهروندی است. همچنین توجه به شاخص‌های مربوط به هریک از مقوله‌های شهروندی نشان می‌دهد که حتی برخی از شاخص‌های شهروندی، مورد توجه کتاب‌های درسی قرار نگرفته‌است. این نتایج با مطالعه‌ی نیره صباغی (۱۳۹۲) همسو است که معتقد است در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی، بیش‌ترین میزان اثربخشی، به مسئولیت‌پذیری مربوط است و کم‌ترین آن، به

نظم شخصی و احترام به حقوق دیگران. البته باید اشاره کرد که این نتایج، مختص نظام آموزشی ما نیست؛ بلکه مطالعات گوناگونی که در کشورهای مختلف صورت گرفته و در آن‌ها نظام‌های آموزشی و برنامه‌های رسمی، مورد تحلیل قرار گرفته، نشان‌دهنده‌ی نتایج همسو با یافته‌های تحقیق حاضر است.

بررسی میزان فراوانی نسبی شاخص‌های قانون‌مداری، بیانگر این است که بیش‌ترین فراوانی به شاخص رعایت حقوق شهروندان، با ۵۳٪ فراوانی و کم‌ترین آن به شاخص پای‌بندی به هنجارها، ارزش‌ها و قوانین و مقررات، با ۵/۹٪ فراوانی، مربوط است. این ارقام نشان می‌دهند میزان فراوانی شاخص‌های مؤلفه‌ی قانون‌مداری نه تنها از یک تعادل نسبی برخوردار نیستند، بلکه اشکال دیگری که وجود دارد این است که با توجه به یافته‌های این تحقیق، مضامین مطرح شده درباره‌ی شاخص رعایت حقوق شهروندان، بیش‌تر دارای بار منفی آموزشی هستند؛ به این معنا که حدود ۶۷٪ از مضامین مرتبط با این شاخص، در جهت تضعیف آموزش فرهنگ قانون‌مداری است که اگر این میزان فراوانی منفی را از این شاخص کسر کنیم، میزان فراوانی این شاخص به ۱۶/۶٪ تنزل می‌یابد که رقم بسیار اندکی است. این نتایج با مطالعه‌ی علی خلیلی (۱۳۹۰) همسو است؛ وی در پژوهش خود درباره‌ی میزان آموزش شهروندی در برنامه‌ی آشکار درسی آموزش و پرورش، به این نتیجه رسید که آموزه‌های شهروندی موجود در کتب آموزشی، بیش‌تر تکلیف‌محور هستند تا حق‌محور؛ همچنین در برنامه‌ی درسی، آموزه‌های ناسازگار با شهروندی نیز وجود دارد.

با توجه به این نتایج، متوجه می‌شویم مسئولان و مؤلفان دست‌اندرکار تهیه و تدوین کتب فارسی بخوانیم به شاخص‌های پیدا و نهان مؤلفه‌ی قانون‌مداری و مفاهیم و مضامین مرتبط با آن، اشراف کافی ندارند. می‌توان چنین استنتاج کرد که اگرچه محتوای برخی از داستان‌ها و حکایت‌های فارسی بخوانیم دارای مضامین آموزشی مرتبط با فرهنگ شهروندی هستند، نوع آموزش آن‌ها به جای تقویت فرهنگ شهروندی، خواسته و یا ناخواسته، بیش‌تر در جهت تضعیف آن عمل می‌کند. این موضوع با اهداف نظام آموزش و پرورش کشور و مقاصد اصلی طراحان و نویسندگان این کتاب‌های درسی مغایرت دارد. به عبارت دیگر، نتیجه این تحقیق بیانگر این است که آموزش و پرورش، در زمینه‌ی آموزش قانون‌مداری، اهمیتی ویژه و کارآمد ندارد و آموزه‌های شهروندی مرتبط با

قانون‌مداری منعکس شده در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش ایران، عمدتاً منفی است و آنچه از خلال این تحقیق درک شده آن است که آموزه‌های موجود در کتب درسی، بیش از آن‌که بر آموزش قانون‌مداری و درگیر کردن ذهن دانش‌آموز با مسایل مختلف مورد نیاز برای جامعه‌پذیری تأکید کند، بر روحیه‌ی تکلیف‌گرایی و مسوولیت‌پذیری پرداخته است. از این رو، شاید بتوان گفت رفتارهایی چون بی‌توجهی به حقوق دیگران و نداشتن اعتماد به دیگران که جزو شاخص‌های مهم قانون‌مداری است، در رده‌های سنی بالاتر از این مشکل ناشی می‌شود. در نهایت می‌توان گفت از آن‌جا که تربیت شهروندی به ویژه آموزش قانون‌مداری بر رفاه، پیشرفت و توسعه‌ی جامعه، تأثیر بسیاری دارد و نظام آموزش و پرورش از طریق برنامه و کتاب‌های درسی، در تحقق این اهداف، نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ لزوم بازنگری و اعمال اصلاحاتی در خصوص محتوای این کتاب‌ها احساس می‌شود.

پیشنهادهایی بر اساس نتایج تحقیق

۱. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت کتاب فارسی بخوانیم در آموزش مهارت‌های گوناگون به دانش‌آموزان و از سوی دیگر توسعه‌ی شهرها و نیاز به آموزش‌های مرتبط با شهروندی، سهم ۶۴ درصدی داستان‌ها و حکایت‌ها درباره‌ی آموزش فرهنگ شهروندی، افزایش یابد. از آن‌جا که قانون‌مداری نیز یکی از اصول اساسی در تعاملات شهروندان است و در واقع، عامل بهبود مستمر جامعه و کیفیت زندگی محسوب می‌شود، لازم است سهم بسیار کم آن با انتخاب داستان‌ها و حکایت‌های بیش‌تری در این زمینه - به ویژه در پایه سوم، پنجم و ششم - افزایش یابد.
۲. با توجه به آن‌که در پایه‌ی تحصیلی پنجم و ششم، دانش‌آموزان به بسیاری از مهارت‌های خوانداری دست یافته‌اند و محدودیت‌های مطالعاتی آن‌ها به حداقل ممکن رسیده‌است، به مسوولان، مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های فارسی بخوانیم پیشنهاد می‌شود، داستان‌ها و حکایت‌هایی را انتخاب کنند که از نظر مضمون، با آموزش فرهنگ قانون‌مداری، بیش‌ترین ارتباط را دارند تا از این طریق سهم این دوپایه که در حال حاضر، حداقل سهم است، ارتقا یابد.

۳. پیشنهاد می‌شود مسئولان تهیه و تدوین داستان و حکایت‌های کتاب فارسی بخوانیم با توجه بیش‌تر به شاخص‌های مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی مندرج در اهداف آموزشی مصوبات دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، سند چشم‌انداز تحول راه‌بردی نظام تربیت رسمی و عمومی و سند راه‌بردی شاخص‌های شهروندی ریاست جمهوری و دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به انتخاب داستان‌ها و حکایت‌ها، اقدام کنند.

۴. پیشنهاد می‌گردد به علت موجز، صریح و واضح بودن پیام حکایت‌ها و همچنین جذابیت و سهولت به خاطر سپاری، تعداد بیش‌تری از حکایت‌های مرتبط با فرهنگ قانون‌مداری، انتخاب و در متون فارسی بخوانیم گنجانده شود.

۵. پیشنهاد می‌شود بر اساس بخش تحلیل داستان‌ها و حکایت‌های این تحقیق، برخی از داستان‌ها و حکایت‌هایی که نقش منفی آموزشی دارند، حذف و به جای آن‌ها داستان‌ها و حکایت‌هایی با مضامین مثبت آموزشی، درج شود.

۶. در کتاب‌های مورد مطالعه به برخی از شاخص‌های مرتبط با مؤلفه‌ی قانون‌مداری، بسیار کم توجه شده‌است؛ از این رو به دفتر تألیف و برنامه‌ریزی پیشنهاد می‌شود تا ضمن بازنگری، به این شاخص‌ها نیز توجه گردد.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- بخشی‌پور، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی از نظر میزان ارتباط با مفاهیم آموزش شهروندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- حق‌پناه، رضا. (۱۳۷۷). «جایگاه قانون و قانون‌گرایی در قرآن». اندیشه حوزه، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۲۵۳-۲۷۸.
- دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۷۷). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۹ الف). سند تحوّل راه‌بردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۹ ب). طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، گزارش نهایی تلفیق یافته‌های مطالعات نظری (بخش دوم: فلسفه‌ی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۲). لغت‌نامه، جلد ۲۹، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری. (۱۳۹۳). فارسی (خوانداری) دوم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری. (۱۳۹۳). فارسی (خوانداری) سوم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری. (۱۳۹۳). فارسی (خوانداری) چهارم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری. (۱۳۹۳). فارسی (خوانداری) پنجم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری. (۱۳۹۳). فارسی (خوانداری) ششم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

رضوانی‌پور، مهدی. (۱۳۹۰). «قانون و فرهنگ قانون‌مدار». ماه‌نامه تجلی، شماره ۶۵، صص ۲-۳.

سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲). ایران ۱۴۰۴، مصوب ۱۳۸۲.

شریفی، سعید. (۱۳۸۸). «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی». فصل‌نامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۲، شماره ۵، صص ۵۷-۷۴.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۴). نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت نوجوانان. تهران: اطلاعات.

صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.

فالكس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

فتحی و اجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. تهران: آبیژ.

فرمehنی فراهانی، محسن. (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. تهران: آبیژ.

کارگروه تدوین شاخص‌های فرهنگی. (۱۳۸۹). شاخص‌های راه‌بردی، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی (ویرایش سوم). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کوشا، محمد مهدی. (۱۳۸۷). دانستنی‌های سیاست شهروندی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۴۴-۱۱.

هاشمیان‌فر، سیدعلی. (۱۳۹۱). «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان». فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۲، شماره ۳، صص ۲۰۹-۲۳۰.